

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

ویژگی های یاران حضرت مهدی علیه السلام از منظر امام علی علیه السلام

فاطمه آراسته فرد^۱

چکیده

یاران امام زمان علیه السلام از منظر حضرت علی علیه السلام دارای ویژگی هایی می باشند که این ویژگی ها به دو دسته فردی، اجتماعی تقسیم می شود. ویژگی های فردی شامل: معرفت داشتن به حق تعالی، سبقت گیرندگان، متقربان، جوانان، افرادی آبدیده و مهیا، انس داشتن با قرآن، نوشیدن جام حکمت هر صبح و شام، عدم منت بر خداوند به جهت بردباری، عدم عجب به خاطر ایثار و فداکاری؛ ویژگی های اجتماعی شامل: زیون از دیدگاه متکبران، گمنامان در زمین و معروفان در آسمان، چراغ های هدایت و نشانه های روشن، عدم مفسده جویی و فتنه انگیزی، عدم اشاعه فحشا، مشمول رحمت یا واسطه رحمت و عذاب اند، جهاد با بصیرت و آگاهی، همدلی و هماهنگی.

واژگان کلیدی

حضرت علی علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام، یاران، ویژگی ها.

۱. کارشناس ارشد قرآن و حدیث.

مقدمه

حضرت علی علیه السلام در بیانات مختلف ویژگی‌هایی را برای یاران حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند. این فرمایشات گاه از نهج‌البلاغه و گاه در میان آثار دیگری که به سخنان حضرت علی پرداخته‌اند، وجود دارد. ما در این نوشتار به دنبال تبیین ویژگی‌های فردی و اجتماعی یاران حضرت مهدی علیه السلام از منظر حضرت علی علیه السلام هستیم. یاران حضرت چند گروه‌اند. برخی یاران خاص که فرماندهان و کارگزاران هستند و همان ۳۱۳ نفرند. گروه دیگر مؤمنانی که پس از شروع قیام به حضرت می‌پیوندند. منظور ما از یاران اعم از کارگزاران است و نیز منظور منتظران هم نیستند؛ گرچه منتظران برای رسیدن به مرحله یاری حضرت، باید به این ویژگی‌ها توجه نموده و برای تحقق آن در وجودشان، تلاش کنند.

به دلیل جایگاه و اهمیت نهج‌البلاغه و دیگر سخنان امیرالمومنین علیه السلام و حکومت تشکیل یافته توسط ایشان (ولو برای مدت کوتاه) و شباهت‌های موجود بین یاران حضرت مهدی علیه السلام و حضرت علی علیه السلام؛ تبیین ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام از منظر امیرالمومنین علیه السلام اهمیتی ویژه دارد. همچنین شناخت این خصوصیات می‌تواند به عنوان شاخصی، افراد و جامعه را به سمت تحقق این اوصاف سوق دهد؛ علاوه بر این که تا کنون به طور خاص در این باره کاری صورت نگرفته است.

درباره ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام کتب روایی مختلف مانند: *کفایه الاثر، الغیبه نعمانی، کمال‌الدین و تمام النعمه* و... مطالبی را مطرح کرده‌اند؛ و نیز مقالاتی با عناوین مهدی‌یاوران (فصلنامه انتظار، سال دوم شماره ۳)؛ ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام (ماهنامه موعود شماره ۷۹، سال ۱۲)؛ ویژگی‌های یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام (بخش مهدویت تبیان)؛ سیمای یاران حضرت مهدی علیه السلام (قنبر علی صمدی مجله انتظار موعود شماره ۲۹) به طور کلی به موضوع ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام پرداخته‌اند. همچنین کتب و مقالاتی که به موضوع مهدویت از منظر نهج‌البلاغه و سخنان حضرت علی علیه السلام پرداخته‌اند و مباحث مختلف مهدویت را مطرح کرده‌اند؛ شامل این موارد می‌باشند: منجی موعود از منظر نهج‌البلاغه اثر حسین ایرانی؛ علی علیه السلام و پایان تاریخ نوشته سیدمجید فلسفیان؛ مهدی منتظر در نهج‌البلاغه اثر مهدی فقیه ایمانی؛ امام علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام؛ اما به طور خاص و با موضوع ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام از منظر حضرت علی علیه السلام اثر مستقلی یافت نشد.

منظور ما از ویژگی‌های فردی و اجتماعی یاران ولی عصر (عج) این است که ایشان دارای خصوصیتی ویژه و منحصر به فرد باشند که در امر مهم یاری کردن امام زمان (عج) موفق شوند و در زمینه فردی هیچ‌گونه کمبود و نقصانی در شخصیت‌شان وجود نداشته باشد و در زمینه اجتماعی نیز آن‌چنان دارای مهارت و ورزیدگی باشند که با موفقیت، حضرت مهدی (عج) را اطاعت و یاری کنند. همچنین قرار بر این نیست که خداوند متعال معجزه‌وار، ولی خود را یاری کند بلکه باید همه شرایط فراهم شود و ظرفیت وجودی انسان‌ها به آن حد ممکن برسد که هم لیاقت دیدار منجی را داشته باشند و هم به یاری ایشان بشتابند؛ چرا که حضرت مهدی (عج) در کلام نورانی خویش از مردم چنین یاری می‌طلبند:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَسُلَالَةُ النَّبِيِّنَ وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاضْطَهَدْنَا وَفَهَرْنَا وَابْتَرَمْنَا حَقًّا مُنْذُ قَبِضِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَتَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصُرُونَا؛

ای مردم ما اهل بیت رحمت و جایگاه رسالت و جانشینان پیامبریم... بر ما ظلم شده است و... حق ما غصب شده... پس ما از شما یاری می‌خواهیم پس یاری ما کنید.
(مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۰)

این یاران که باید به یاری حضرت بپردازند باید چنین ویژگی‌هایی داشته باشند ما از منظر حضرت علی (ع) به بیان این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

ویژگی‌های فردی

با توجه به سخنان حضرت علی (ع) یاران حضرت مهدی (عج) از نظر فردی دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های ذیل می‌باشند:

۱. معرفت به حق تعالی

یاران امام زمان (عج) دارای معرفت و بینش عمیق نسبت به خداوند هستند چنان که حضرت علی (ع) درباره ایشان می‌فرماید:

... رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛
... مردان مومنی هستند که خداوند را می‌شناسند چنان که حق معرفتش است و ایشان همچنین یاران مهدی در آخر الزمان هستند. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۷)

این یاران در سایه ایمان و اعتقاد به خداوند به این شناخت عمیق دست یافته‌اند و هیچ

تزلزل و شك و شبهه ای به دل راه نمی‌دهند و این اعتقاد راسخ، ایشان را چون کوه با صلابت و محکم و استوار نگه می‌دارد و با ایمان و اتکال به خداوند است که می‌توانند سختی‌ها و شدائدی که در دوران ظهور و در زمان یاری حضرت مهدی علیه السلام برایشان پیش می‌آید را پشت سر گذاشته و در این راه پایداری و استقامت کنند.

کسی که به وحدانیت خداوند اعتقاد دارد؛ دل به هیچ معبود دیگری نمی‌دهد و شرك به هیچ عنوان در او راه ندارد و شیاطین با کید و مکر او را از این عقیده قلبی دور نمی‌کنند و این چنین است که می‌تواند به یاری ولی خدا بپردازد.

۲. برترین افراد

از دیگر ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام از منظر امام علی علیه السلام شخصیت منحصر به فرد ایشان است و این که این افراد دارای مقام و منزلت بسیار بالایی هستند. یاری رساندن به ولی خدا فی نفسه دارای ارزش والایی است؛ بنابراین کسانی که لیاقت دارند یار حضرت حجت باشند نیز مقام و ارزش بالایی دارند چنان که در روایتی حضرت علی علیه السلام چنین می‌فرمایند:

لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوَّلُونَ، وَلَا يَدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ؛

نه از نسل‌های گذشته کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می‌رسد. (مقدسی، ۱۴۲۸: ۹۲)

۳. متقربان

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَدَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرٍ وَعَظِيمٍ؛

به فرمان راهنمای خود، به پروردگار خویش تقرب جستند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۶)

این یاران بنا به فرموده حضرت علی علیه السلام، به امر و فرمان امام زمان علیه السلام به خدای خود تقرب می‌جویند؛ یعنی اطاعت امام زمان علیه السلام و یاری دادن به ایشان نوعی تقرب جستن به پروردگار است و نیز می‌توان گفت که ایشان چون به خداوند تقرب جسته‌اند در نتیجه وظیفه خود را شناخته و زمان و زمانه را به خوبی درک کرده‌اند و امام زمان علیه السلام خود را یاری می‌کنند.

ابن میثم بحرانی مقصود از واعظهم را امام قائم علیه السلام می‌داند.^۱

۱. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، ج ۳، صفحه ۳۹۹

مرحوم خویی و مدرس وحید نیز همین نظر را دارند.^۱

۴. افرادی آبدیده و مهیا

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام زمان (عج) از دیدگاه علی (ع) این است که ایشان برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده شده و چون شمشیرها صیقل می‌خورند. فتنه‌های زمان ظهور حضرت مهدی (عج) بسیار زیاد است و بر یاران حضرت لازم می‌آید که خود را برای مقابله با این فتنه‌ها آماده و مهیا کنند. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

اینان چون شمشیرها صیقل می‌خورند.

صیقل دادن شمشیر به این دلیل است که تیز و برنده‌تر شود و کندی برطرف شود و کارایی آن بالاتر رود. یاران حضرت مهدی (عج) باید آبدیده شوند و در طوفان بلایا و شدائد دوران ظهور، مستحکم و استوار بمانند و ابتلائات و امتحانات گوناگون را پشت سر گذاشته و با سربلندی و پیروزی از آزمایشات الهی گذر کنند. با این صیقل که بر روح و جانسان داده می‌شود، ناخالصی‌ها و زنگار گناه از وجودشان برطرف می‌شود و به یک روح لطیف و شفاف و زلال، دست می‌یابند که لیاقت این را دارند که یار ولی خدا باشند. و نیز این احتمال هم در این سخن می‌رود که زمانی که کندی و تنبلی از آنان گرفته شود؛ تیز و برنده می‌شوند یعنی عملکردها و تعاملات‌شان بسیار دقیق و سنجیده می‌شود.

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۱۵۰ در این باره چنین می‌فرماید:

ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ سَخَدَ الْقَيْنِ النَّصْلُ؛

سپس تیز می‌گردد در آن فتنه طایفه‌ای مانند تیز کردن تیر ساز سرتیر را. (سیدرضی،

۱۴۱۲: ۲۶۰، ۳۵)

شحد در لغت به معنای تیز^۲ است. قین به معنای آهنگر و کسی که شمشیر می‌سازد^۳ یا تیز می‌کند. و نصل به معنای شمشیر و کارد یا تیر و نیزه تیز^۴ است.^۵

۱. مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه (مدرس وحید)، ج ۱۰، صفحه ۵۵؛ هاشمی الخوئی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (الخوئی)، ج ۹، صفحه ۱۴۰؛ نواب اللاهیجی، میرزا محمد باقر، شرح نهج البلاغه (نواب لاهیجی)، صفحه ۱۳۷.

۲. شحد: الشحد التحدید، شحدت السکین أشحذه شحذا فهو شحید و مشحوذ. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۳، ۹۲)

۳. قین: القین الحداد، و قیل: کل صانع قین. (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۳۵۰)

۴. نصل: النصل للسیف حدیدته، و نصل السهام. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۷، ۱۲۴)

۵. علامه شوشتری نیز در تبیین لغوی این فراز آورده است: لفظ مجهول لیشحذن از شحدت السکین گرفته شده یعنی

در توضیح و تفسیر این عبارت ابن ابی الحدید می‌گوید:

شَحَذَ بمعنی تیز کردن است و مراد تشویق و ترغیب است؛ یعنی عده ای مشتاق و راغب می‌شوند به جنگ با گمراهان و چنان‌که آهنگر و حداد سر نیزه را تیز می‌گرداند، ایشان نیز ذهن و عزمشان تیز می‌گردد.^۱

ابن میثم بحرانی در شرح این عبارت می‌گوید:

در خلال بروز این فتنه‌ها و آشوب‌ها گروهی صیقلی می‌شوند، و به همان‌گونه که آهنگر شمشیر را تیز و بزا می‌کند و به آن جلا می‌دهد، زنگار تیرگی‌ها از دل و اندیشه آنها زدوده می‌شود، و برای پذیرش دانش و حکمت آماده می‌شوند، واژه شَحَذَ (تیز کردن) برای آماده کردن افکار و اندیشه‌ها استعاره شده است و وجه مناسبت این است که هر يك از این دو برای استفاده کامل و مفید مهیا می‌شوند، و این گروه مانند تیغ که اگر بر چیزی وارد شود آن را می‌بزد و تا عمق آن فرو می‌رود، در مسائل علم و حکمت فرو می‌روند. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۹۵)

مدرس وحید ذیل عبارت «لِيشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمَ شَحَذَ الْقَيْنِ التَّصَلَّ» پس از نقل سخن ابن ابی الحدید و شرح بحرانی، این‌گونه گفته است:

مراد از قوم در «لِيشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمَ شَحَذَ الْقَيْنِ التَّصَلَّ» علماء امت می‌باشد که حاوی کمالات نفسانیه می‌باشند. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۱۰، ۴۸)

میرزا حبیب‌الله خویی رحمته‌الله مؤلف منهاج البراعه در شرح این عبارت دو قول را بیان می‌کند:

۱. مراد از قوم علمای امت هستند؛ ۲. مراد از قوم اصحاب امام زمان علیه‌السلام می‌باشد. (خویی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۱۳۸)

با توجه به نظر شارحین نهج البلاغه می‌توان چنین گفت که استعاره واژه شَحَذَ (تیز کردن) به این دلیل است که یاران و اصحاب امام زمان علیه‌السلام، زنگار تیرگی‌ها را از دل و جان خود می‌زدایند و چون شمشیر صیقل خورده، تیز، براق، آبدیده، خالص، زلال، پاک و مهیا می‌شوند تا مسائل علم و حکمت را دریافت کنند.

۵. مأنوس با قرآن

یاران امام زمان علیه‌السلام به جهت انس با قرآن؛ هم دیده‌هایشان با قرآن روشنائی می‌گیرد و هم

تیز کردن کارد (چاقو). القین یعنی آهنگر، نصل یعنی کارد و چاقوی تیز. (شوشتی ۱۴۱۸: ج ۶، ۲۲۱)
۱. شَحَذْتُ السَّكِينَ أَشْحَذُهُ شَحَذًا أَيْ حَدَدْتُهُ يَرِيدُ لِيَحْرُضَنِي فِي هَذِهِ الْمَلْحَمَةِ قَوْمٌ عَلَى الْحَرْبِ وَ قَتْلِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَ لَتَشْحَذُنْ عَزَائِمَهُمْ كَمَا يَشْحَذُ الصَّيْقِلُ السَّيْفَ. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۰)

در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین انداز می‌شود چنان‌که حضرت علی (ع) چنین می‌فرمایند:

تَجَلَّى بِالْتَنْزِيلِ ابْصَارَهُمْ وَيَرْمِي بِالتَّفْسِيرِ فِى مَسَامِعِهِمْ؛

دیده‌هایشان با قرآن روشنایی می‌گیرد و در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین افکند.

(سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۵)

این افراد همان‌طور که ذکر شد به جهت این‌که زنگارهای گناه و زشتی‌ها را از خود دور کرده‌اند و طبق عبارتی که در نهج‌البلاغه آمده، خود را صیقل داده‌اند؛ حال این زمینه را پیدا کرده‌اند که کلام نورانی الهی در جان‌شان اثر کند. این نشان‌دهنده این مطلب است که یاران امام مهدی (عج) به بیان امام علی (ع) کسانی هستند که انس عمیق و ویژه‌ای با قرآن دارند و کسی که با کلام نورانی خداوند انس و الفت داشته باشد حتماً و مطمئناً انسان خود ساخته و ویژه‌ای است و خود را به دریای بی‌کران کلام وحی متصل کرده و تمامی نقصان‌ها و کمبودهای وجودی خود را با بهره‌گیری از مفاهیم آموزنده قرآن برطرف می‌سازد. همچنین یاران امام زمان (عج) نه تنها با قرآن مانوس‌اند و آیات قرآن چراغ راه و روشنایی دیده‌هایشان است بلکه به عمق و ژرفای قرآن نیز نفوذ کرده و به بواطن قرآن هم از طریق تفسیر راه می‌یابند؛ و از این طریق راه درست و صراط مستقیم و صحیح‌بندگی را یافته‌اند و بر طبق آن عمل می‌کنند و کسی که به اقیانوس بی‌انتهای تفسیر قرآن دست یابد بی‌شک از طوفان‌ها و حوادث پیش رو که در امر یاری ولی خدا با آن مواجه می‌شود؛ در امان خواهد ماند و تدابیر عاقلانه‌ای خواهد اندیشید؛ چرا که قرآن بهترین راه و بلکه تنها راه نجات انسان‌هاست و دستورالعمل‌هایی که در کلام خدا وجود دارد می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی جامعه باشد. از بُعد دیگر می‌توان گفت چون این یاران پیوسته با قرآن مرتبط‌اند کلام نورانی خدا در قلب و جان‌شان نفوذ کرده و آنان را از زشتی‌ها و پلیدی‌ها دور کرده و چون شمشیری صیقل داده شده‌اند.

ابن ابی‌الحدید در شرح این ویژگی چنین می‌گوید:

به واسطه تلاوت قرآن، پرده‌ها و شک و شبهه‌ها از قلب‌هایشان زدوده می‌شود و تاویل قرآن و معرفت اسرار آن، بر دل‌هایشان الهام می‌شود. و پرده‌ها برایشان کنار زده می‌شود و معارف حقیقی در دل‌هایشان ایجاد می‌شود و فهم و درک پیچیدگی‌ها و اسرار باطنی قرآن، به آنها عنایت می‌شود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۰)

علامه مجلسی نیز عبارتی نظیر ابن ابی‌الحدید آورده است.^۱

۱. یَجَلَّى بِالْتَنْزِيلِ أَيْ يَكْشِفُ الرِّيبَ وَالْغَطَاءَ عَنْ قُلُوبِهِمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ إِلْهَامُهُمْ تَفْسِيرَهُ وَ مَعْرِفَةَ أَسْرَارِهِ. (انصاریان،

ابن میثم بحرانی در شرح این عبارت از *نهج البلاغه* می‌گوید:

پس از آن امام این بزرنگی و آمادگی را تفسیر می‌کند و می‌فرماید دیدگان آنها به انوار تنزیل روشنی گرفته است، یعنی با تلاوت قرآن کریم، و تدبیر آیات آن، چشم بصیرت آنها برای ادراک حکمت و اسرار علوم آماده گردیده است، زیرا کتاب الهی مشتمل بر اینهاست، و تفسیر واقعی آیات قرآن از جانب امام وقت به آنها القا می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۹۵)

نظر مرحوم خویی مؤلف *منهاج البراعه* در این باره چنین است:

در حالی که جلا و صفا داده شده با قرآن چشم‌هایشان یعنی بتدریس و تدرّس قرآن و تأمل و تفکر در معانی و معارف قرآن ظلمات و تاریکی شک‌ها و شبهه‌ها از چشم‌هایشان و بصائرشان زدوده و دل‌هایشان نورانی و جلوه‌گر می‌گردد. و انداخته می‌شود با تفسیر در گوش‌هایشان. یعنی با تفسیر حق و بیان حقایق و شنودن و تلقی تفسیر قرآن علی‌ما هو الحق و اسرار ظاهری و باطنی قرآن پرده‌های شکوک از ضمائر و مسامع‌شان انداخته گشته، مهبای ادراک معارف حقّه و الهیه می‌باشند. (خویی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۱۳۹)

۶. نوشیدن جام حکمت هر صبح و شام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه در مورد یاران امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

و یغبقون كأس الحكمة بعد الصبح؛

و هر صبح و شام جام حکمت سر می‌کشند.

حکمت برگرفته از علم و حلم و عدل^۱ است و به معنای معرفت به بهترین امور با بهترین آگاهی^۲ است.

حکمت علمی است که انسان را از کار قبیح و زشت باز می‌دارد. استعاره از «حکمة اللجام» است. حکمت همان است که دور گردن (دابه) را گرفته است و مانع رفتن آن یا چموشی و خروج او می‌گردد.^۳

همان‌طور که در مراحل قبلی بیان ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام مطرح کردیم این یاران

(۱۴۰۸: ج ۲، ۶۱)

۱. حکم: الحکمة مرجعها إلى العدل و العلم و الحلم. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۳، ۶۶)

۲. ابن‌الکثیر: و الحکمة عبارة عن معرفة أفضل الأشياء بأفضل العلوم. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۱۴۰)

۳. و الحکمة العلم الذي يرفع الإنسان عن فعل القبيح، مستعار من حکمة اللجام و هي ما أحاط بحنك الدابة يمنعها الخروج. و الحکمة فهم المعاني، و سميت حکمة لأنها مانعة من الجهل. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۴۳)

در برابر طوفان حوادث خود را آماده می‌کنند، چون شمشیر صیقل می‌خورند، و هرگونه ناخالصی را از وجود خود می‌زدایند و به نقطه اوج انس با قرآن و تفسیر می‌رسند؛ و در نهایت به این مرحله طلایی دست می‌یابند که هر صبح وشام جام حکمت سرکشند. به عبارت دیگر، ایشان با رفتارهای درست، عبادات مخلصانه، انس با قرآن، عمل به وظیفه، از سویی و مراقبت از نفس در مقابل گناهان و زشتی‌ها از سوی دیگر پیوسته و دائماً وجودشان سرشار از حکمت می‌شود که گویا هر روز صبح وشام جام حکمت را سر می‌کشند.

ابن ابی الحدید در شرح این فراز از نهج البلاغه این گونه آورده است:

معارف ربانی و اسرار الهی از این انسان‌ها برداشته نمی‌شود و فیض الهی دائماً در صبح و شام به ایشان می‌رسد و «غبوق» کنایه است از فیضی که در شبانگاهان برایشان حاصل می‌شود و «صبح» کنایه است از آن اسرار و معارفی که در صبحگاهان کسب می‌کنند و این افراد عارفان حقیقی‌اند؛ کسانی که بین زهد و حکمت و شجاعت جمع کرده‌اند و حقیقتاً این افرادند که یاران ولیّ خداوند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۰)

مرحوم علامه شوشتری در *بہج الصباغہ* نیز نظر خود را این چنین آورده که غبوق و صبح به وسیله کاسه حکمت است. همچنین ایشان بنابر قول ابن اعرابی در مورد کأس می‌گویند:

کاسه و جام، جام نامیده نمی‌شود مگر این که در آن نوشیدنی باشد.^۱

می‌توان از قول علامه شوشتری در مورد کأس چنین برداشت کرد که این افراد، جام حکمت را سر می‌کشند و می‌نوشند یعنی صفات پسندیده و نیکی‌ها و خلیات خوب و تمام مواردی که از مصداق‌های حکمت هستند را به راحتی و مانند یک نوشیدنی گوارا سر می‌کشند و متخلق شدن به خلیات حکیمانه برایشان سخت و دشوار نیست. چون خداوند به خاطر اخلاص^۲ آنها، حکمت را به آنان عطا می‌کند.

ابن میثم بحرانی و مدرس وحید در شرح «و یغبقون کأس الحکمه بعد الصبح» این چنین می‌گویند:

امام استفاده و کامیابی آنها را از حکمت، و مواظبت آنها را بر فراگیری و حفظ آن، پس از آن که قابلیت آن را یافته‌اند به غبوق و صبح تعبیر فرموده است. این دو واژه استعاره‌اند

۱. و یغبقون بلفظ المجهول، و الغبوق الشرب بالعشی، «کاس» قال ابن الأعرابی: لا تسمی الکأس کأساً إلا وفيها الشراب «بعد الصبح» الشرب فی الصباح، و الغبوق، و الصبح بکأس الحکمة. (شوشتری، ۱۴۱۸: ج ۶، ۲۲۰)

۲. عُدَّة الدَّاعِي عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَجَزَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۲۴۹)

زیرا معنای حقیقی آنها آشامیدن محسوس در اوقات مخصوص است و اینانی که مورد اشاره‌اند و دارای قابلیت دریافت حکمت و علوم الهی هستند، علمای ائمتد که جامع کمالات نفسانی و پویندگان راه خداوندند و کسانی می‌باشند که از نظر آن حضرت و ائمه علیهم‌السلام پس از او پسندیده و پذیرفته هستند. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۹۵؛ مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۱۰، ۴۹ و ۵۴)

در شرح تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین در مورد این عبارت این گونه بیان شده:

بیاشامند ایشان در شبانگاه جام حکمت را که علوم شرعیه است بعد از آنکه آشامیده باشد در نقطه چاشتگاه. لفظ «غبوق» و «صبوح» کنایتند از تعلّم علوم دینیّه بر سبیل دوام ممارست ایشان در آن، به اهتمام تمام به ارشاد امام علیه الصلوة والسلام. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۸۴)

علامه مجلسی نیز شرح عبارت «و یغبقون کاس الحکمہ بعدالصبوح» را این طور بیان می‌دارد:

غبوق یعنی شرب شبانگاهی و این که گفته شده: «غبقت الرجل أعبقه - بالضم - فاعتبق هو» یعنی معارف الهی هر صبح و شام به آنان افاضه می‌شود، و «الغبوق» الشرب بالعشیّ تقول: «غبقت الرجل أعبقه بالضم فاعتبق هو» أى تفاض علیهم المعارف صباحا و مساء. (انصاریان، ۱۴۰۸: ج ۲، ۶۳)^۱

۷. عدم منت بر خداوند به جهت بردباری

حضرت علی علیه‌السلام در وصف یاران امام زمان علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

لَمْ يَمْتُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ

با شکیبایی که دارند بر خداوند منت نمی‌نهند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۶)

صبر در لغت به معنی جزع و فزع نکردن است^۲ و بنابر نظر جوهری صبر عبارت است از باز داشتن نفس از جزع و بی‌تابی.^۳

یاران حضرت مهدی علیه‌السلام در مسائل و شدائد دوران ظهور و حکومت حضرت؛ بسیار صبور و بردبارند و برای یاری رساندن به امام زمان شان همه مشکلات را به جان می‌خرند و در این راه شکیبایی را پیشه خود می‌سازند؛ از این مهم‌تر این که به جهت این صبوری‌شان بر خداوند

۱. نظریکی دیگر از شراح به نام نواب لاهیجی نیز مانند نظر علامه مجلسی است. (نواب الاهیجی، بی‌تا، ۱۳۷)

۲. الصبر: نقيض الجزع، (فراهیدی، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۴۳)

۳. الجوهری: الصَّبْرُ حَبْسُ النفس عند الجَزَع، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۴۳)

هیچ منتهی ندارند و این کار را وظیفه و حتی افتخار برای خود می‌دانند.

ابن ابی الحدید در شرح خود در این باره آورده است:

افرادی که خود را از جنگ با گمراهان باز داشتند و صلح کردند؛ به خاطر این که توانایی جنگ با اهل ضلال را نداشتند که داخل در ضلالت و گمراهی بودند، و خود را کنار کشیدند از جانفشانی و جنگ با آنها یا به خاطر تقیه یا به دلیل این که دچار شبهه شده بودند. در این حال خداوند برانگیخت انسان‌های عارف و شجاع را و حکمت را به آنها عطا کرد و آنان را از اسرار ملکوت آسمان و زمین مطلع ساخت پس قیام کردند و بر این صبرشان بر خداوند منت نگذاشتند.^۱

همچنین ابن میثم بحرانی در ذیل این عبارت از نهج البلاغه چنین می‌گوید:

محتمل است که منظور از ضمیر جمع در یَمْنُوا و ما بعد آن، گروهی باشد که در قبال این فتنه و آشوب‌ها کناره‌گیری و آسودگی را اختیار کرده و از جنگ با آشوبگران دست باز داشتند، زیرا از این جهت راه تسلیم را در پیش گرفته و از جنگ خودداری کردند که به آنها اجازه قیام داده نشده بود، و به سبب عدم حضور ولی امر و قائم بحق، توان مقاومت در برابر ستمگران را نداشتند، و هم در آن هنگام که در برابر اوضاع، روش مسالمت در پیش گرفتند و شکیبائی می‌کردند، از مشاهده منکرات رنج می‌بردند و دل‌های آنها در سوز و گداز بود، و اگر پشتیبان و پناهی می‌داشتند در راه نصرت حق، بذل جان را مهم نمی‌شمردند. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۹۹)

با این بیان این افراد در دوران غیبت بدلیل عدم حضور امام اهل صبر و شکیبایی همراه با رنج و سوز و گداز بودند ولی برای این انجام وظیفه و صبر بر آن بر خدا منت نمی‌گذاشتند.

ابن میثم بحرانی احتمال دیگری نیز می‌دهد:

و به جای بالصبر، بالتصبر نیز روایت شده است، یعنی پیروزی برای خدا را بر او منت قرار ندادند و فداکاری و از جان گذشتگی خود را در راه حق بزرگ نشمردند. (همو)

مدرس وحید پس از نقل سخن ابن ابی الحدید و محقق بحرانی، می‌گوید:

و باز داشتند خودشان را از جنگ کردن با ایشان، و این ترك و مهاده یا از عجز و ناتوانی بوده که با اهل ضلال توانائی مقاومت نداشتند و یا تقیه کردند و یا بشبهه افتادند، این طایفه حق با اهل ضلال مهاده کردند و القاء سلام کردند، یا این که متمکن نبودند به

۱. حتی إذا ألقى هؤلاء السلام إلى هذه الفئة عجزاً عن القتال واستراحوا من منابذتهم بدخولهم في ضلالتهم وفتنتهم إما تقية منهم أو لشبهة دخلت عليهم أنهض الله تعالى هؤلاء العارفين الشجعان الذين خصهم بحكمته وأطلعهم على أسرار ملكوته فنهضوا ولم يمنوا على الله تعالى بصبرهم. (ابن أبي الحدید، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۱)

مقاومت ظالمان بجهت عدم قیام قائم. با غم و غصه بسر می‌بردند و منکرات را می‌دیدند ولی اذن قیام نبود در حالی که این‌ها ممت گزار با صبر نبودند. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۱۰، ۵۴)

در شرح نواب لاهیجی در این باره چنین آمده است:

از برای تحمّل جنگ ایشان ممت نگذاشتند بر خدا در صبر و حوصله کردن بمشقت. (نواب لاهیجی، بی‌تا: ۱۳۷)

۸. عدم عجب به خاطر ایثار و فداکاری

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام این است که از این که جان خود را در کف اخلاص نهاده‌اند، احساس بزرگی نمی‌کنند. چنان که حضرت علی علیه السلام در باره ایشان چنین می‌فرماید:

وَلَمْ يَسْتَغْظُمُوا بَذْلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ؛

جان دادن در راه خدا را بزرگ نشمردند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: خطبه ۱۵۰)

ایشان جانفشانی و ایثار را به اوج خود رسانده و دریاری امام زمان خود، با ارزش‌ترین عنصر وجودی خویش که همان جان شیرین و با ارزش است را با تمام وجود تقدیم مولی و ولی امر خود می‌کنند و مهم‌تر این که از این عملکرد خود اصلاً احساس بزرگی نمی‌کنند و دچار فخر فروشی و غرور و تکبر نمی‌شوند. آری انسان‌های خود ساخته به چنین مقام و منزلتی می‌رسند که امر ولی خدا را از هر چیزی بالاتر و با ارزش‌تر می‌دانند.

شارحین نهج‌البلاغه نظر خود را ذیل این عبارت از نهج‌البلاغه چنین آورده‌اند:

فداکاری و از جان گذشتگی خود را در راه حق بزرگ نشمردند. ^۱ (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۲)

۹. جوانان

از دیگر ویژگی‌های یاران حضرت این است که همگی جوان هستند و تعداد افراد پیر که در زمره یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند بسیار کم و اندک است و مقدار آنان به مقدار نمک در غذا

۱. و نیز بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج‌البلاغه (ابن میثم): ج ۳، ۳۹۹؛ مدرس وحید، احمد، شرح نهج‌البلاغه (مدرس وحید): ج ۱۰، ۵۵؛ هاشمی الخوئی، میرزا حبیب‌الله، منهج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه (الخوئی): ج ۹، ۱۴۰؛ نواب لاهیجی، میرزا محمد باقر، شرح نهج‌البلاغه (نواب لاهیجی): ۱۳۷.

و یا سرمه در چشم تشبیه شده است. امیرالمؤمنین (ع) در این باره چنین می‌فرمایند:

اصحاب المهدی شباب لا كهول فيهم الا مثل كحل العين والملح في الطعام واقل الزاد الملح؛

یاران قائم همه جوان هستند در میان آنها پیر یافت نمی‌شود مگر اندکی ماند سرمه به چشم و نمک در طعام و کمتر از هر توشه‌ای نمک است. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۴)

از خصوصیات ذاتی و لاینفک جوانانی که یار و یاور حضرت مهدی (عج) هستند؛ شور و نشاط، چالاکی، چابکی، نیرومندی، با انگیزه بودن، جدیت و..... می‌باشد که در افراد پیر و سالخورده این خصوصیات وجود ندارد و یا کمتر به چشم می‌خورد و در عوض افراد پیر که در سپاه حضرت وجود دارند؛ دارای تجارب بسیار نیک و سودمند هستند که گاه کارگشای بسیاری از مسائل مهم حکومتی خواهد بود و حضرت ممکن است از مشورت ایشان نیز استفاده کند و تعداد این افراد بسیار اندک است و به اندازه نمک در غذا و یا سرمه در چشم تشبیه شده است. و حضرت مهدی برای اداره امور و اجرای احکام حکومتی به نیروهای جوان و پرانرژی و زور و بازوی آنان نیاز دارد تا با استفاده از این استعدادهایی که در وجودشان است حضرت را یاری کنند.

ویژگی‌های اجتماعی

ویژگی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی یاران حضرت مهدی (عج) از دیدگاه حضرت علی (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

۱. زبون از دیدگاه متکبران

یاران امام مهدی (عج) در چشم متکبران خوارند. چنان که امیرمؤمنان علی (ع) در خطبه ۱۰۲ نهج البلاغه در وصف ایشان چنین می‌فرماید:

... قومٌ أدلة عند المتكبرين؛

گروهی هستند که نزد متکبران، خوار و زیون‌اند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۶، خطبه ۱۰۲)

خطبه ۱۰۲ درباره فتنی است چون شب سیاه و ظلمانی که افراد درمقابل آن نمی‌توانند مقاومت کنند و... این اوصاف یا به فتنه آخرالزمان منطبق است و یا فتن آخرالزمان را به طریق اولویت یا مناط در برمی‌گیرد؛ به این بیان که در فتن و سختی‌ها، راه برون رفت، افراد مقاوم و مجاهد بی نام و نشانند. معمول شروح از جمله شرح ابن میثم، این فرازاها از خطبه را از اوصاف

مؤمنین دانسته‌اند. ابن ابی الحدید این فرازها را درباره آخرالزمان و ملاحم آن می‌داند. به نظر می‌رسد حق با ابن ابی الحدید است زیرا فتن و اوصاف مختلفی که در این خطبه آمده، فراطراز حادثه عادی و مؤمنین معمولی است نظیر «فتن کقطع اللیل المظلم لاتقوم لها قائمة... اهلها قوم شدید کلبهم، قلیل سلبهم یجاهدهم فی سبیل الله...». هرچند اگر اصرار بر این داشته باشیم که این اوصاف برای مؤمنان است باز یاران حضرت را به طریق اولویت در بر می‌گیرد که سخت‌ترین شرایط را خواهند داشت.

یاران حضرت مهدی علیه السلام چون بر طبق میل و خوشایند متکبران رفتار نمی‌کنند و به فرمان حضرت به دنبال اجرای عدالت هستند؛ مسلم است که در چشم متکبران خوار باشند. ابن ابی الحدید در شرح این عبارت بیان می‌دارد که منظور از «أدلة» آیه قرآن یعنی «أدلة عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده: ۵۴) است.^۱

به نظر می‌رسد با توجه به بیان حضرت که می‌فرماید: أدلة عند المتکبرین؛ تفسیر ابن ابی الحدید صحیح نباشد چرا که آیه شریفه می‌فرماید أدلة على المؤمنین یعنی در مقابل مومنین متواضع و در مقابل کافران سخت و مستحکم‌اند.

ابن میثم بحرانی نیز چنین گفته است:

اینان در نزد متکبران و گردن‌کشان زیون‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۵)

مدرس وحید نیز می‌گوید:

اهل کبر و گردن‌کشان آنها را دلیل می‌پندارند. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۳، ۲۵)

۲. گمنامان در زمین و معروفان در آسمان

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۰۲ نهج البلاغه در وصف ایشان چنین می‌فرماید:

فی الارض مجهولون، وفي السماء معروفون؛

... در روی زمین گمنام و در آسمان‌ها معروفند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۶، خطبه ۱۰۲)

یاران حضرت مهدی به دنبال نام و نشان نیستند و چه بسا تنها خداوند و ملائک و فرشتگان آسمانی از کارهای نیک شان آگاهی دارند و از شهرت و مقام و منصب دوری می‌کنند و فقط رضای الهی برایشان مهم است.

۱. ثم ذکر أن هؤلاء أرباب الفتن یجاهدهم قوم أدلة كما قال الله تعالى أدلة عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ ذَلِكَ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۰۴)

در این دنیای وانفسای مادی که اکثر افراد در پی جاه و مقام هستند و وسوسه‌های شیطان و نفس اماره به شدت افراد را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد، وجود یارانی با این خصوصیات نشان می‌دهد که این یاران بر نفس و وسوسه‌های شیطان غلبه دارند و شیفته منصب‌های مادی و تعریف و تمجیدهای دیگران نیستند و این که در زمین بین بندگان گمنام باشند را بهتر می‌پسندند.

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه چنین بیان می‌دارد که:

ثم قال هم مجهولون عند أهل الأرض - لخمولهم قبل هذا الجهاد - ولكنهم معروفون عند أهل السماء؛

ناشناخته نزد اهل زمین اند چون قبل از جهاد کسی آنان (شهامت، شجاعت و...) را نمی‌شناخت. اما نزد اهل آسمان شناخته شده‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۰۴)

ابن میثم بحرانی نیز چنین گفته است:

اینان در روی زمین بی‌نام و نشانند یعنی اینها از متنعمان و نامداران دنیا نیستند، و این که فرموده است در آسمان معروفند اشاره است به این که آنان اهل یقین و ایماند، و پروردگار آنها را بندگانی فرمانبردار می‌داند، و فرشتگان آنان را اهل عبادت و بندگی خدا می‌شناسند. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۵)

در بیانی دیگر حضرت علی (ع) در وصف آنان تعبیر نُؤْمَةٌ به معنی گمنام^۱ را می‌آورد. حضرت در خطبه ۱۰۳ نهج البلاغه^۲ می‌فرماید:

كُلُّ مُؤْمِنٍ نُؤْمَةٌ، إِنْ شَهِدَ لَمْ يَعْرِفْ وَإِنْ غَابَ لَمْ يَفْتَقَدْ؛

هر مؤمنی گمنام است زمانی که در میان مردم است او را نمی‌شناسند و زمانی که غایب است سراغ او را نمی‌گیرند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸)

امام صادق (ع) در بیانی نزدیک به فرمایش امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید:

شيعة... الَّذِينَ إِنْ شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا، وَإِنْ غَابُوا لَمْ يَفْتَقَدُوا، وَإِنْ مَرَضُوا لَمْ يَعَادُوا، وَإِنْ خُطِبُوا لَمْ يَزُوجُوا، وَإِنْ مَاتُوا لَمْ يَشْهَدُوا. أُولَئِكَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسُونَ، وَفِي قُبُورِهِمْ يَتَزَاوَرُونَ، وَلَا تَخْتَلِفُ أَهْوَاؤُهُمْ، وَإِنْ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْبُلْدَانُ؛

۱. رجل نومة أى حامل الذكر. (فراهیدی، ج ۸، ۳۸۵)

۲. در فراز سوم خطبه ۱۰۳ نهج البلاغه از زمانی در آینده سخن می‌گوید که معمول افراد از آن نجات نمی‌یابند؛ زمانی که اسلام چون ظرف واژگون شده‌ای که محتویاتش ریخته، می‌گردد. این فراز با توجه به روایات فراوان دیگر که ویژگی‌های دوران آخرالزمان را ترسیم می‌کند؛ یا بر حوادث آخرالزمان منطبق است و یا آن را نیز در برمی‌گیرد.

شیعیان ما کسانی اند که ... وقتی حضور دارند ناشناخته اند و وقتی نیستند کسی سراغشان را نمی گیرد و ... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۵، ۱۶۶)

مدرس وحید نیز در شرح خود اینان را در روی زمین ناشناخته و در پیشگاه آسمانیان شناخته شده می داند. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۷، ۵۱)

۳. چراغ های هدایت و نشانه های روشن

امام علی علیه السلام در فراز دیگری از نهج البلاغه در مورد یاران امام زمان علیه السلام می فرماید:

مصایح الهدی و أعلام السرى؛

انها چراغ های هدایت و نشانه های روشنند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸)

مصباح در لغت یعنی چراغ^۱ و نور و شعله آن^۲ و أعلام جمع عَلم و به معنی کوه و نشانه ای است که با آن راه شناخته می شود.^۳ همچنین السرى به معنای سیر در شب^۴ است.

در این فراز از خطبه نهج البلاغه، حضرت علی علیه السلام خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام را چنین بیان می دارند که ایشان همانند چراغ های هدایت و نشانه های روشن در شب تاریک هستند و این تعبیر بسیار لطیف و دقیق است؛ چرا که کسی که در تاریکی شب می خواهد به جایی برود حتما باید نشانه ای و یا روشنایی چراغی به همراه داشته باشد و گرنه امکان دارد خطرات بسیار زیادی جان او را تهدید کند و یا به بیراهه برود و مسیرش را گم کند و یا در اثر ماندن در تاریکی به دام دزدان و راهزنان بیفتد؛ پس عقل حکم می کند که انسان روشنایی و چراغی برای پیدا کردن راه خود به همراه داشته باشد. یاران امام زمان علیه السلام این چراغ ها و روشنایی های هدایت برای مردم اند و در جایی که افراد امکان دارد به واسطه قرار گرفتن در تاریکی های جهل و ضلالت، دچار اشتباه و گمراهی شوند؛ ایشان شك و شبهه ها و گمراهی ها را برطرف می کنند و با این کار به یاری حضرت می پردازند.

ابن ابی الحدید در تبیین این فراز روایتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان می کند که

۱. المصباح: السراج (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۰۲)

۲. والمصباح: السراج بالمرجة، و المصباح: نفس السراج و هو قرطه الذی تراه فی القنديل و غیره. (فراهیدی، بی تا: ج ۳، ۱۲۵)

۳. فالأعلام: جمع علم و هو الجبل الذی یعلم به الطريق. (طریحی، الشیخ فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، ج ۶، ۱۱۹)

۴. السرى: السیر باللیل. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۳۷۷)

ایشان می‌فرمایند:

إن الله يحب الأخفاء الأتقياء الأبرياء - الذين إذا غابوا لم يفتقدوا - وإذا حضروا لم يعرفوا -
قلوبهم مصابيح الهدى - يخرجون من كل غبراء مظلمة؛

خداوند بندگان باتقوا و نیکوکار گمنام خویش را دوست دارد اینان دل‌هایشان بسان
چراغ‌های هدایت است و از هر تاریکی و غباری خارج می‌شوند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸:

ج ۷، ۱۱۲)

ابن میثم بحرانی و مدرس وحید واژه‌های مصابیح و اعلام را استعاره برای مؤمنان
می‌دانند و می‌گویند:

این مؤمنان شمع هدایت اند، که مردم را به راه حق راهنمایی می‌کنند و علامت‌ها و
نشانه‌های شب‌های سخت و شدیداند که به واسطه اینان، تاریکی شب‌های جهل و
هلاکت روشن و آشکار می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۵؛ مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۷، ۷۱)

مؤلف منهاج البراعه مرحوم خوبی در شرح این عبارت چنین آورده است:

به وسیله آنها، سالکان راه خدا هدایت می‌شوند و به نور وجودشان به مراتب نورانی قرب
می‌رسند. و السری به معنی سیر شبانگاهی است چنان‌که در آیه قرآن چنین آمده: ﴿أَسْرَى
بِعَبْدِهِ لَيْلًا﴾ (اسراء: ۱۰) برای تأکید. (خوبی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۱۸۹-۱۹۰)

۴. عدم مفسده جویی و فتنه‌انگیزی

در ادامه خطبه ۱۰۳ نهج‌البلاغه، علی علیه السلام به یکی دیگر از خصوصیات یاران حضرت
مهدی علیه السلام می‌پردازد و می‌فرماید:

لیسوا بالمساييح؛

نه مفسده‌جو هستند و نه فتنه‌انگیز. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸)

یاران امام زمان علیه السلام سخن چین نبوده و به دنبال فتنه و فساد نیستند. در میان مردم
ایجاد عداوت و دشمنی نمی‌کنند؛ چه بسا افرادی، برای رسیدن به پست و مقام، بالا بردن
جایگاه خود و یا تخریب شخصیت دیگران و یا اهداف دیگر، این اعمال را انجام دهند اما یاران
حضرت ولی عصر علیه السلام به قدری بر نفس و تمایلات نفسانی خود مسلط‌اند که این خصوصیت در
آنان راه ندارد بلکه بالعکس، ایشان در بین مردم و در دل‌هایشان ایجاد الفت و مهربانی و
محبت می‌کنند.

مسیح در لغت یعنی کسی که برای سخن‌چینی و بدی، در زمین می‌گردد.^۱

۱. و المسیح الذي يسيح في الأرض بالنميمة و الشر. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۹۲)

ابن ابی الحدید نیز در آغاز همین تعریف لغوی را بیان می‌کند و می‌گوید:

مسییح جمع مسیاح است و آن کسی است که برای مفسده و سخن‌چینی در زمین می‌گردد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۱۴)

علامه شوشتري در *بهج الصباغه* برای این مطلب سه احتمال می‌دهد و می‌گوید:

۱. مساییح در کتاب نهایی آمده برگرفته از سیح است و روایت لاسیاحه فی الاسلام یعنی دوری از شهرها مانند آبی که بر زمین پراکنده است. با این بیان، منظور علامه شوشتري این است که یاران حضرت افرادی نیستند که شهرها را رها کرده باشند. با جماعت‌اند.
۲. گفته شده منظور کسانی‌اند که برای بدی و نیمه و افساد بین مردم در زمین رفت و آمد می‌کنند. لیسوا بمساییح البذر یعنی کسانی که برای تحقق شر و نیمه تلاش می‌کنند.
۳. گفته شده منظور تسبیح در لباس است یعنی در آن خطوط مختلف است. شاید منظور تجمل‌پرستی و غیرسادگی است. (شوشتري، ۱۴۱۸: ج ۸، ۲۰۲)

این نکته قابل ذکر است که؛ بیشتر مفسران و شراح از جمله ابن میثم بحرانی، علامه مجلسی، مدرس وحید و مرحوم خویی، معنای افشای فساد را پذیرفته و مساییح را به معنی کسی که میان مردم برای ایجاد مفسده و سخن‌چینی رفت‌وآمد می‌کند، تفسیر کرده‌اند.^۱

۵. عدم اشاعه فحشا

امام علی علیه السلام در مورد یاران امام زمان علیه السلام چنین می‌فرماید:

ولا المذاييع البذر

نه در پی اشاعه فحشايند. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸)

بذر در لغت یعنی کاشتن دانه و پراکندن آن^۲ و یعنی فاش کردن راز و سری که از کسی شنیده.^۳ مذاييع در لغت به معنای کسی است که نمی‌تواند چیزی را کتمان کند^۴ و یا این که نمی‌تواند رازی را مخفی نگه دارد.^۵

۱. رک: بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم): ج ۳، ۳۵؛ انصاریان، علی، شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الأنوار، شرح نهج البلاغه (المجلسی): ج ۱، ۳۴۴؛ مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه (مدرس وحید): ج ۷، ۷۱؛ هاشمی الخوئی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (الخوئی): ج ۷، ۱۸۹.

۲. بذر: بذرت الشيء و الحب بذراً، بمعنى نثر. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۸، ۱۸۲)

۳. البذر: الذي يفشي السر و يظهر ما يسمعه؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۵۰؛ الذي يفشي السر و يظهر ما يسمعه. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۲۲۱۷)

۴. و رجل مذاييع لا يستطيع كتمان شيء. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۲، ۲۳۰)

۵. المذاييع: الذي لا يكتُم السر، و جمعه مذاييع. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۹۹)

یاران مهدی موعود (عج) به دنبال اشاعه فحشا نیستند و افرادی راز دارند؛ همچنین جزء افراد نادان و بیهوده‌گو نیز نیستند. این انسان‌های شریف که نشان زرین یار مولی و ولی امرشان را با افتخار برگردن آویخته‌اند، از این صفات ناپسند مبرا هستند. سخنانشان سنجیده و با درایت است، اگر رازی را از کسی می‌دانند آن را برملا نکرده، و صیانت از آبروی انسان‌ها برایشان بسیار مهم است، و در پی گسترش فحشا در جامعه نیستند. و از تفرقه انداختن بین مردم دوری می‌کنند.

ابن ابی الحدید در این باره چنین می‌گوید:

اما درباره افشا سَر و انتشار آن روایات فراوانی آمده و اگر فقط کلام خداوند سبحان در این باره بود که فرمود وَ لَا تُطْعُ كُلَّ خَلَافٍ مَّهِينٍ - هَمَّا زَمْشَاءَ بَنِمِیمِ (قلم: ۱۱-۱۲) کافی بود. مذایع جمع مزیاع است یعنی آن که وقتی بدی و زشتی درباره کسی می‌شنود آن را منتشر می‌کند بذر جمع بذور است مثل صبر و صبور و منظور کسی است که اسرار را افشا می‌کند. گفته سید رضی صحیح نیست که بذور لزوماً انسان سفیه و بیهوده‌کار باشد. ممکن است فرد مذایع باشد بدون این که از روی سفاهت و بیهوده‌گی باشد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۱۴)

اما نظر بحرانی، علامه مجلسی و مدرس وحید، در مورد این فراز از خطبه امیرالمؤمنین (ع) برخلاف نظر ابن ابی الحدید است. ایشان می‌گویند:

آنان فاش‌کننده اسرار خلاق نیستند و منظور از مذایع کسانی هستند که اسرار مردم را فاش می‌کنند و اگر از کسی امر و یا کار نا روایی دیدند اعلان و اعلام می‌نمایند. و منظور از بذر سفیه و لغوگو و بیهوده‌گو می‌باشد.^۱

مرحوم علامه شوشتری در بهج الصباغه می‌گوید:

مذایع جمع مزیاع است و مراد کسی است که کتمان نمی‌کند چیزی را زمانی که فاش شده و گفته شده از این کلام، کسانی که اشاعه فحشاء می‌کنند، اراده می‌شود. گفته می‌شود کلام را پخش کردم همان‌طور که دانه را پخش می‌کنند؛ یعنی آن را افشا کرده و منتشر کردم. (شوشتری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۲۰۲)

مرحوم خویی نیز نظر خود را این چنین بیان کرده است:

مزیاع کسی است که سر را کتمان نکرده بلکه آن را منتشر و افشا و اظهار می‌کند یا بین

۱. رک: بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم): ج ۳، ۳۵؛ انصاریان، علی، شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الأنوار، شرح نهج البلاغه (المجلسی)، ج ۱، ۳۴۴؛ شرح نهج البلاغه (مدرس وحید)، ج ۷، ۷۱

مردم ندا می‌دهد. بذر جمعش بذور می‌باشد مانند زبر و زبور و صبر و صبور... موبد این سخن در کتاب قاموس آمده که بذور و بذیر؛ نمام و سخن‌چین و کسی است که سر خویش را نمی‌تواند پنهان کند و مذابیع البذر یعنی کسانی که فاش می‌کنند اسرار مردم را وفحشا را اشاعه می‌دهند. (خویی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۱۹۰)

۶. مشمول رحمت یا واسطه رحمت و دفع عذاب

حضرت علی علیه السلام پس از بیان خصوصیات از یاران امام زمان علیه السلام در خطبه ۱۰۳ در فراز آخر کلام‌شان می‌فرمایند:

اولئك يفتح الله لهم ابواب رحمة يكشف عنهم ضراء نكمته؛
اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سویشان باز می‌کند، و سختی‌ها و مشکلات را از آن برطرف می‌سازد. (سیدرضی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸)

ابن ابی الحدید در شرح این فراز این چنین بیان می‌دارد:

ببركاتهم يكون الخير ويندفع الشر؛
به برکات وجود آنان خیر نازل شده و شر دفع می‌گردد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۱۴)

علامه شوشتری در شرح این عبارت، روایتی را از امام باقر علیه السلام بیان می‌کند که می‌فرمایند:
خداوند فنا و نابودی را از سرزمینی به واسطه وجود یک نفر مؤمن دفع می‌کند.^۱

مدرس وحید نیز این‌گونه می‌گوید:

این گروه کسانی هستند که می‌گشاید خداوند تعالی بخاطرشان - درهای رحمت را - و گشایش می‌دهد از ایشان با برکات وجودشان شداید نكمتش را. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۷، ۷۱)

مرحوم خویی علاوه بر شرح نسخه اصلی، نسخه دیگری از عبارت را آورده و بیان می‌دارد:

في بعض النسخ يفتح الله بهم ويكشف بهم آه أي ببركات وجودهم ينزل الخيرات ويكشف النقمات؛

آنان کسانی هستند که خداوند برای آنان ابواب رحمت و رافت خویش را می‌گشاید و از آنان بدی‌های نكمت و سختی عذاب را دفع می‌کند و در بعضی از نسخه‌ها آمده یفتح الله بهم ويكشف بهم یعنی به برکات وجود آنان خداوند خیرات را نازل و عذاب‌ها را برطرف

۱. عن الباقر علیه السلام: إن الله ليدفع بالمؤمن من الواحد عن القرية الفناء؛ (شوشتری ۱۴۱۸: ج ۸، ۲۰۲)

می‌کند. (خوبی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۱۹۰)

۷. جهاد با بصیرت و آگاهی

امیرالمومنین علیه السلام در فراز دیگری از نهج البلاغه در مورد یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ؛

اینان در این هنگام آگاهی و بینش خود را با شمشیرهایشان حمل کردند. (سیدرضی،

۱۴۱۲: ج ۲، ۳۶)

یاران با بصیرت و آگاه امام زمان علیه السلام، از منظر حضرت علی علیه السلام اینگونه‌اند که علاوه بر این که بینش و بصیرت و آگاهی به زمانه دارند و وظیفه خود را در مقابل امام و مقتدای خویش می‌دانند بلکه هر زمان که لازم باشد و امام فرمان دهد آماده و پا در رکاب ایشان و کاملاً مطیع اوامرشان بوده و بینش‌های قلبی و درونی خود را بر شمشیرهایشان قرار می‌دهند و این عبارت کنایه از نهایت دلدادگی، اطاعت محض، زمان‌شناسی و اظهار و نمایان کردن عقاید قلبی‌شان، در مواقع حساس می‌باشد و با دارا بودن این ویژگی می‌توان گفت که بهترین یاری را به حضرت ولی عصر علیه السلام می‌رسانند.

بصیرت به معنای بینش و آگاهی در امور، عبرت، معتقدات دینی،^۱ زره، ثبات در دین است. همچنین به معنای خون نیز گفته شده است. (فراهیدی، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۷)

ابن ابی الحدید در توضیح این فراز می‌گوید:

این معنی لطیف است یعنی آن عارفان عقاید و آن چه در قلب مخفی داشتند، آشکار کردند؛ چنان که عقاید خود را نیز با شمشیرشان نشان دادند، گویا که عقاید چیز است که حمل بر شمشیر می‌شود و هر که شمشیر را می‌بیند عقیده را نیز می‌بیند. شکی نیست که سیوف مجزده - شمشیر از نیام کشیده و عریان آشکارترین شی برای چشم است بنابراین عقیده هم که محمول بر اوست هویدا است. بعضی از افراد این کلام را بوجه دیگری تفسیر کرده و گفته‌اند: «بصائر» جمع بصیرة است و آن به معنی دم (خون) است. فکائنه اراده کرده که آن قیام‌کنندگان و یاری‌کنندگان حق به خونخواهی برخاستند. گویا همان خون‌های ریخته شده محمول بر شمشیرهایشان بود که شمشیر کشیدند و آن خون‌ها را از

۱. بصر: البصر العين نفاذ فی القلب و استبصر فی أمره و دینه إذا کان ذا بصيرة. و البصيرة اسم لما اعتقد فی القلب من الدین و حقیق الأمر. و البصيرة: الدرع، و يقال: ما لبس من السلاح فهو بصائر السلاح. البصيرة: العبرة (فراهیدی، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۷) البصيرة: الحجة والاستبصار فی الشيء. و البصيرة: عَقِيدَةُ القلب، قال الليث: البصيرة اسم لما اعتقد فی القلب من الدین و تحقیق الأمر؛ و البصيرة: العبرة و البصيرة: الثبات فی الدین؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ۶۴)

ظالمان گرفتند. (ابن ابی الحديد، ۱۳۷۸: ج ۹، ۱۳۲)

نظر بحرانی در شرح این فراز نیز همانند ابن ابی الحديد است. (بحرانی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۹۹)
مدرس وحید در ذیل عبارت "حملوا بصائرهم علی اسیافهم" علاوه بر بیان نظر ابن ابی
الحديد و ابن میثم بحرانی، در ادامه می‌گوید:

این عارفان و یاران حقّ حمل کردند چشم‌های خود را به شمشیرهای خود برای جنگ و
قتال اهل ضلال، یعنی یاران حقّ اظهار نمودند بصائر و ضمائر و عقاید خود را به مردم و
کشف کردند و از نیام در آورند شمشیرهای خودشان را، یعنی هم اظهار عقاید و ضمائر خود
نمودند و هم با شمشیر آمیخته و عریان بیاری حق برخاستند. پس عقائد و ضمائرشان
دیده و پدیدار شد با غایت جلاء و ظهور هم چنان که شمشیر آمیخته و عریان روشن و آشکار
و با جلاء دیده می‌شود. (مدرس وحید، ۱۴۰۲: ج ۱۰، ۵۵)

مؤلف منهاج البراعه علاوه بر شرح مختصر فرمایش حضرت علی علیه السلام با عبارت «بصائرهم علی
اسیافهم» لحرب اهل الضلال؛ آنان بصیرت‌شان را بر شمشیرها نهادند برای جنگ با گمراهان؛
عبارت ابن ابی الحديد را نیز آورده است.^۱
نظر نواب لاهیجی نیز این‌گونه است:

بینائی‌های خود را بر شمشیرهای خود یعنی بینائی‌های خود را مصروف شمشیر زدن و
جهاد کردن گردانیدند. (نواب لاهیجی، بی تا: ۱۳۷)

۸. همدلی و هماهنگی

یاران امام مهدی علیه السلام بنا به فرموده حضرت علی علیه السلام دارای ظاهری هماهنگ و آراسته‌اند؛ و
قد و لباس و راه و روش‌شان کاملاً با هم هماهنگ است و همه در طلب یک امر مشترک هستند
و آن یاری رساندن به ولی خداست.

و کأني أنظر إليهم والزي واحد والقدر واحد والجمال واحد واللباس واحد كأنما يطلبون
شيئاً ضاع منهم فهم متحIRON في أمرهم حتى يخرج إليهم من تحت ستار الكعبة في آخرها
رجل أشبه الناس برسول الله صلى الله عليه وآله خلقاً وخلقاً وحسناً وجمالاً فيقولون أنت المهدى؟
فيجيهم ويقول أنا المهدى (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ۲۴۹)

۱. قال الشارح المعتزلي: وهذا معنى لطيف، يعني أنهم أظهروا بصائرهم و عقاید قلوبهم للناس و كشفوها و جردوها من
أجفانها مع تجريد السيوف من أجفانها فكأنها شيء محمول على السيوف يبصره من يبصر السيوف، فتري في غاية
الجلاء و الظهور كما تری السيوف المجردة؛ (خویی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۱۳۹)

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: گویا می‌بینم ایشان را (یاران مهدی (عج) را)، در حالی که روش‌شان هماهنگ و قد و قامت‌شان هماهنگ، زیبایی‌شان هماهنگ و لباس‌شان هماهنگ است گویا به دنبال یک گمشده می‌گردند و آن را طلب می‌کنند و در کار آن متحیر و سرگردانند تا این‌که از زیر پرده کعبه مردی خارج می‌شود که شبیه‌ترین افراد از جهت ظاهری و اخلاق و حسن و جمال و زیبایی به رسول الله (ص) است؛ از او می‌پرسند آیا تو مهدی (عج) هستی؟ او در جواب می‌فرماید: من مهدی‌ام.

در این حدیث شریف امیرالمؤمنین علی (ع) صحنه ظهور را بسیار زیبا و ملموس وصف کرده‌اند و همچنین علاوه بر توصیف هماهنگی و متحدالشکل بودن یاران امام مهدی (عج) از لحاظ ظاهری، آمادگی آنان برای امر مهم ظهور و همدلی ایشان را نیز بیان می‌کنند؛ به بیان دیگر، سخن حضرت علی (ع) این مفهوم را می‌رساند که؛ یاران مهدی موعود (عج) همه در یک امر واحد و مشترک با هم توافق دارند و آن را مطالبه می‌کنند و آن امر مشترک چیزی جز مساعدت و یاری رساندن به ولی خدا نیست و همه تا زمان فرا رسیدن زمان این وظیفه و مسئولیت، متحیر و سرگردانند و تا زمانی که این آمادگی و همدلی خود را برای یاری حضرت، ابراز نکنند، آرام نمی‌شوند؛ علاوه بر این که ایشان دارای یک آرایش نظامی واحد و منسجم هستند و در یک سپاه هماهنگ و یک شکل از لحاظ ظاهری قرار دارند.

نتیجه‌گیری

یاران امام زمان (عج) از دیدگاه حضرت علی (ع) دارای ویژگی‌های فردی، اجتماعی هستند. از جمله این‌که؛ دارای بینشی عمیق و معرفتی بالا نسبت به خداوند هستند و مردانی خدایی و الهی‌اند. به واسطه اطاعت امر امام‌شان، به خداوند تقرب می‌جویند. دارای شخصیت منحصر به فرد و مقام والایی هستند که نه گذشتگان به مقام آنان رسیده‌اند و نه آیندگان کسی به مقام‌شان خواهد رسید. بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) را نیروهای جوان تشکیل می‌دهند و افراد مسن به مقدار بسیار کم و به اندازه نمک در غذا و یا سرمه چشم در سپاه یاران حضرت قرار دارند. چون شمشیرها صیقل خورده و خالص و آبدیده می‌شوند و از ابتلائات متعدد در زمینه یاری حضرت سربلند بیرون می‌آیند و برای یاری رساندن به امام زمان‌شان همه مشکلات را پشت سر گذاشته و در این راه شکیبایی می‌کنند؛ از این مهم‌تر این‌که به جهت این صبری‌شان بر خداوند هیچ منتی ندارند و این کار را وظیفه و حتی افتخار برای خود می‌دانند.

با قرآن مأنوسند و چشم‌هایشان با قرآن روشن و در گوش‌هایشان، تفسیر آن طنین انداز می‌شود؛ پیوسته و دائماً وجودشان سرشار از حکمت می‌شود که گویا هر صبح و شام جام حکمت سر می‌کشند؛ ایثار را به اوج خود رسانده و دریاری امام زمان علیه السلام، جان شیرین و بالارش را با تمام وجود تقدیم ولی امر خود می‌کنند؛ و مهم‌تر این که، از این کار خود اصلاً احساس بزرگی نمی‌کنند؛ چون برطبق میل متکبران رفتار نمی‌کنند و به وظیفه خود عمل می‌کنند در چشم آنان خوار و زیون‌اند؛ چون به دنبال نام و نشان نیستند و فقط رضای الهی و انجام وظیفه برایشان مهم است، در زمین گمنام و در آسمان‌ها شناخته شده‌اند؛ و در جایی که افراد امکان دارد به واسطه قرار گرفتن در تاریکی‌های جهل و ضلالت، دچار اشتباه و گمراهی شوند؛ ایشان شك و شبهه‌ها و گمراهی‌ها را برطرف می‌کنند و چراغ هدایت‌اند؛ نه مفسده‌جو هستند و نه فتنه‌انگیز؛ و نه در پی اشاعه فحشا؛ خداوند درهای رحمت و فیض الهی را به سوی اینان باز کرده و گره‌ها و دشواری‌ها و مشکلات آنان را برطرف می‌سازد. و بینش‌های قلبی و درونی خود را بر شمشیرهایشان قرار می‌دهند؛ با هم همدل و هماهنگ‌اند؛ در تحقق اهداف امام ایشان را با جان و دل یاری می‌کنند.

منابع

- قرآن کریم
- بیهقی الکیدری، قطب الدین محمد بن الحسین، *حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغة*، مصحح: عزیزالله العطار دی، قم: مؤسسه نهج البلاغة - نشر عطار د، اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن ابی الحديد، عزالدین أبو حامد، *شرح نهج البلاغة* (ابن ابی الحديد)، مصحح: محمد أبو الفضل إبراهيم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی العامة، اول، ۱۳۷۸ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الملاحم والفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام*، قم: الشریف الرضی، پنجم، ۱۳۹۸ق.
- ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقی، محمد بن مکرم بن علی أبو الفضل جمال الدین، *لسان العرب*، بیروت: بی نا، سوم، ۱۴۱۴ق.
- إربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، تبریز: چاپ مكتبة بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- انصاریان، علی، *شرح نهج البلاغة المقتطف من بحار الأنوار*، مصحح: مرتضی حاج علی فرد، طهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد، اول، ۱۴۰۸ق.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم، *شرح نهج البلاغة* (ابن میثم)، بی جا: دفتر نشر کتاب، دوم، ۱۴۰۴ق.
- سلیمان، کامل، *يوم الخلاص فی ظل القائم المهدي علیه السلام*، قم: دارالمجتبی، اول، ۱۴۲۷ق.
- سیدرضی، محمد بن الحسین، *تنبيه الغافلين وتذكرة العارفين*، مترجم: ملا فتح الله کاشانی، تهران: پیام حق، اول، ۱۳۷۸.
- سیدرضی، محمد بن الحسین، *نهج البلاغة*، تحقیق: شیخ محمد عبده، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۲ق.
- شریف عسگری، نجم الدین جعفر، *المهدي الموعود المنتظر علیه السلام عند علماء أهل السنة والإمامة*، بی جا: مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام، ۱۳۶۰ش.
- شوشتری (تستری)، محمد تقی، *بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة*، طهران: دارأمیرکبیر للنشر، اول، ۱۴۱۸ق.
- طریحی، شیخ فخر الدین بن محمد؛ *مجمع البحرين*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مكتبة المرتضوی، ۱۳۷۵ق.

- طوسی، الغیبة، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد ابی عبد الرحمن، کتاب العین، بی جا: مؤسسة دارالهجرة، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه مدرس وحید، قم: بی نا، اول، ۱۴۰۲ق.
- مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم، ۱۴۲۸ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.
- نواب اللاهیجی، میرزا محمدباقر، شرح نهج البلاغه (نواب لاهیجی)، طهران: أخوان کتابچی، بی تا.
- هاشمی الخویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خویی)، مصحح: سید ابراهیم المیانجی، طهران: مكتبة الإسلامية، چهارم، ۱۳۵۸ق.